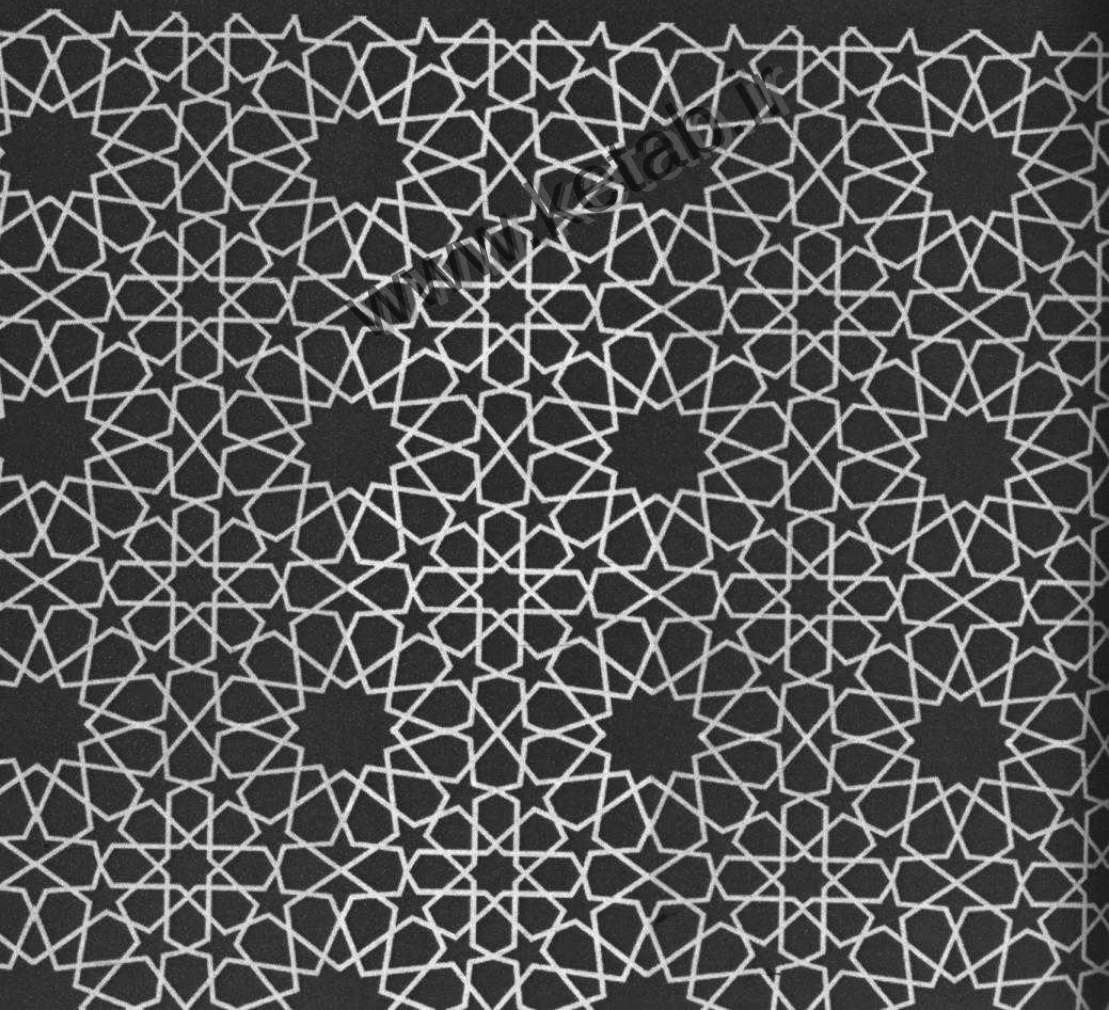


۲۲۲۲
نویسنده
۹۵

راه‌آین جاست

تحلیل گفتمانی گام دوم ماندگاری انقلاب اسلامی

دکتر مجتبی اشرفی
دکتر مرتضی اشرفی



سرشناسه : اشرافی، مجتبی، ۱۳۶۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : راه اینجاست...: تحلیل گفتمانی گام دوم ماندگاری انقلاب
 اسلامی/مجتبی اشرافی، مرتضی اشرافی.
 مشخصات نشر : قم: کتاب نما، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۲۷۸ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۸۰۹-۴-۳-۲:
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۷۱.
 عنوان دیگر : تحلیل گفتمانی گام دوم ماندگاری انقلاب اسلامی.
 موضوع : ایران — تاریخ — انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
 موضوع : IRAN — HISTORY — ISLAMIC REVOLUTION, ۱۹۷۹
 شناسه افزوده : اشرافی، مرتضی، ۱۳۶۲ -
 رده بندی کنگره : DSR1۵۵۳
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۴۱۶۶۹



انتشارات
کتاب نما



راه اینجاست...

تحلیل گفتمانی گام دوم ماندگاری انقلاب اسلامی

نویسندگان: دکتر مجتبی اشرافی، دکتر مرتضی اشرافی

ناشر: کتاب نما

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۸۰۹-۴-۳-۲

قیمت: ۳۶۰۰۰۰ ریال

کتاب نما

تلفن تماس: ۰۹۱۲ ۸۵۳ ۰۸۵۴

۷ پیشگفتار

۱۵ گفتار اول: مقدمه ای بر تحلیل گفتمان

۵۳ گفتار دوم: گفتمان اسلام سیاسی و ماندگاری انقلاب اسلامی

گفتار سوم: تبیین مفهومی دال‌های فرهنگ، مردم و توجه ویژه به جوانان در گفتمان گام

۱۰۷ دوم ماندگاری انقلاب اسلامی از منظر امام خامنه‌ای مدظله العالی

گفتار چهارم: تبیین دال اقتصاد در پیش‌برد گفتمان گام دوم ماندگاری انقلاب اسلامی از

۱۵۹ منظر امام خامنه‌ای مدظله العالی

گفتار پنجم: تبیین مفهومی دال‌های «سیاست و حکمرانی خوب» در گفتمان گام دوم

۱۹۱ ماندگاری انقلاب اسلامی از منظر امام خامنه‌ای مدظله العالی

۲۵۱ پیوست

۲۷۱ منابع

افراد انسانی، پیش و بیش از دانسته‌های خود، دلیل‌های خود را مبادله می‌نماید و از همین جاست که گفتمان به عنوان عنصری فکر ساز در هیئت افکار عمومی، آئین‌های اخلاقی تا قوانین عمومی سیاسی و اجتماع پا گرفته و مطرح می‌شود. به نظر هابرماس، هر گاه سخن پراکنی‌های ما به نتیجه لازم، یعنی تفاهم از سوی مقابل، نرسید و یا درک‌پذیر نباشد، باید به گفتمان رجوع کنیم تا اعتبارمندی کنش فرارسانی یا ارتباطی خود را معاینه کنیم. برای تحقق این گفتمان، باید به عبارتی، از زاویه خود خارج شده و دلیل‌ها، اسناد و معیارهای مختلف را ارزیابی نموده و به ارزیابی بگذاریم. وجود حداقل نیروی درک و تفاهم، شرط اصلی موفقیت هر گفتمانی است. در حالی که حقیقت و درستی، پارامترهایی هستند که اعتبار آن‌ها در گفتمان‌های تئوریک مورد پژوهش قرار گرفته و اثبات می‌شوند. پایبندی به آن چه که از سوی شرکت کننده بیان شده است را نمی‌توان اثبات نمود. این پایبندی که نمایانگر خواست و نیت واقعی طرف بحث است، تنها در عمل اثبات می‌شود و یا این که ما از طریق تفسیر و رجوع به کنش‌های عمدی آن شرکت کننده به راست بودن آن پی می‌بریم. یعنی آن چه من بیان می‌کنم، باید همانی باشد که منظور دارم و حتماً هم خودم در آن شرایط به آن عمل می‌کنم. اثبات پایبندی، برای تلفیق گفتمان و ایجاد رابطه بین تئوری و عمل می‌باشد؛ نه برجسب و اتهام زدن و قطبی کردن گفتمان.

پیش از این که منطق گفتمان را بررسی کنیم، باید ببینیم چه کسی صلاحیت ورود به گفتمان را دارد: هر فردی که بتواند از نیروی خرد خود استفاده نموده و توانایی تشخیص رأی درست و نادرست را داشته باشد؛ اما از کجا بدانیم که آن فرد چنین توانایی را دارد؟ هابرماس پاسخ می‌دهد: خردمندی را در پایبندی به گفته‌ها می‌سنجیم. برای این سنجش به درستی کنش‌ها رجوع می‌کنیم؛ برای تشخیص درستی آن واکنش و این که دروغی در کار نباشد، لازم است که بازرس وجود داشته باشد. بازرسی که شرایط دیسکورس را دارا است. برای

جلوگیری از نقد شرایط، باید بازرسی و آن شرکت کننده مورد بازرسی، در یک گفتمان شرکت کنند. چرا که درستی یک کنش را نمی توان در خارج از گفتمان به داوری نشست. کنترل هر گفتمانی در جریان خود گفتمان اجرا می گردد. در صورتی که نسبت به رأی حاصل از گفتمان تردید وجود دارد. آن رأی در همان گفتمان و یا گفتمان دیگری بازنگری می شود. هابرماس در تئوری کنش های فرا رسانی به ما می آموزد که دسترسی به حقیقت در پرتو کار مشترک تئوریک ممکن است و ما توجه می کنیم که حقیقت گفته ها، وابسته به لیاقت های هر ناظری است که آن حقیقت را عنوان می نماید و شایستگی های آن ناظر هم، جدا از پایبندی به گفته ها و درستی کنش های او نیست. شرکت کنندگان دیسکورس می فهمند که آغاز و انجام هر گفتمانی به یکدیگر مربوطند و پیش شرط ها را در خود گفتمان جستجو می کنند. برای هابرماس، دیسکورس تنها در شرایط مشخصی قابل اجراست که آن را، شرایط ایده آل دیسکورس می خوانند.

همه ی کسانی که توانایی شرکت در گفتمان را دارند، باید از شانس برابر در پرسش و پاسخ و گفت و شنود برخوردار باشند و بتوانند اتفاق بشوند. دلیل آوری، به هم آوایی و هم رأیی به دست آمده از گفتمان، نیرو می بخشد. دلیل ها مجموعه ای از جملات نبوده، بلکه نمود یک کنش ارتباطی و بیانگر حقیقت هستند، حقیقتی که مورد توافق جمع است. و این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان ایرانی، واقعیت و حقیقت را یکی می دانند و تعریف شاعرانه ای از آن ارائه داده و واقعیت را آن چه می دانند که هست و حقیقت، آن چه که باید باشد. تعریفی که حداقل برای فلسفه غرب غریب است، اما در تعریف واقعی، واقعیت و حقیقت، می توان به گونه ی بسیار ساده و کلی چنین گفت: آن چه که مستقل از ما وجود دارد، واقعیت است؛ و برداشت درست و دقیق ما از واقعیت، حقیقت نام دارد.

با کمک منطق گفتمان باید اعتبارمندی حقیقت، درستی و راستی یک دلیل را سنجید. با ارائه ی یک دلیل، آن چه را که عرضه شده، رسمیت می بخشیم. دلیل باید پرمایه و راست نما باشد. ما در گفتمان از داده ها آغاز می کنیم و به نتیجه می رسیم و برای این منظور از قانون ها و قاعده هایی که ضمانت دهنده ی آن نتیجه گیری هستند استفاده می نماییم. این ضمانت با روش استنتاجی یا قیاسی حاصل گشته و به نوبه ی خود بر زمینه دریافت هایی که به طور کلیت بخشی یا استقرایی بدست آمده اند، پشتیبانی می شوند.